

## اشعار سیاسی یک شاعر عاشق

«بدون بیروت شعری

نیست»، این جمله از نزار

قبنانی را در یکی از

مصاحبه‌هایی که انجام

داده خوانده بودم که

هیچ وقت آن را فراموش نمی‌کنم. دل‌بستگی او به

سرزمین‌های مادری‌اش حتی زمانی که مجبور به

ترك سرزمینش شد، باز هم از یاد آن جدا نشد. او

خود را در مصاحبه‌هایش رئیس‌جمهور شعر عرب

معرفی می‌کند و اغلب او را با عاشقانه‌هایش

می‌شناسیم. زن در اشعار قبنانی این شاعر سوری

نمود بسیاری دارد و به همین خاطر برداشت‌های

عاشقانه از اشعارش در ذهن خوانندگانش نمود

ویژه‌ای دارد. اما او در دل عاشقانه‌هایش صدای

اعتراض اعراب است. صدای معترض جهانی که حق

آنها توسط زورگویان پایمال شده و او در تلك تلك

ابیاتش سعی می‌کند چهره معترض خود را به

خواننده نشان دهد. او که در نشست‌های

شعرخوانی‌اش جمعیت موج می‌زده و همین خیل

مشتاقان سبب شده نزار قبنانی از خاطره جمعی

نه تنها ملت‌های عرب بلکه از خاطره ملت‌های

مظلوم پاك نشود، زیرا قبنانی صدای مظلومان را به

گوش همه رسانده و حنجره آنها بوده است.

اسما خواج‌زاده، مترجم زبان عربی در گزینشی سعی

کرده اشعار سیاسی او را کنار هم قرار دهد و خواننده

را فارغ از جهان لطیف عاشقانه‌های نزار و نزاریانش در

برابر سرما گرنده اعتراض قبنانی این شاعر اهل سوریه

قرار دهد. «گزیده اشعار سیاسی نزار قبنانی» در واقع

برشی کمتر دیده شده از نزار قبنانی است که خواسته

یا ناخواسته درست نشان داده نشده و این کتاب

می‌تواند وجهی دیگر از او را برای خواننده نمایش دهد.

صدادر گلویمان خفه شده...

و مهر بر لب‌هایمان خورده...

مردمان ما میان تهی‌اند

و جنون به تنهایی

برای کشورمان تصمیم می‌گیرد

زبان ساده و در عین حال بلیغ نزار قبنانی سبب می‌شود

خواننده غیرعرب نیز در اغلب موارد اشعار او را درک

کند. درواقع قبنانی کمتر سعی می‌کند درشت و پیچیده

سخن بگوید و همتش را برای زدن حرف دل مخاطب

گذاشته است. او برای مخاطبان‌ش ارزش بسیاری قائل

است و نظر آنها بر نظر منتقدان ارجحیت بیشتری دارد

و بارها تاکید می‌کند که برای مخاطبش شعر می‌گوید.

به یاد داشته باشید

همیشه به یاد داشته باشید...

که آمریکا - با آن موقعیتش -

خدای عزیز و قادر نیست

و - با آن قدرتش - نمی‌تواند

جلوی پرواز پرندگان را بگیرد

چه ؛ گلوله‌ای کوچک در دست

یک کودک

که بزرگی را کشته است...

در این کتاب می‌توان تصویری

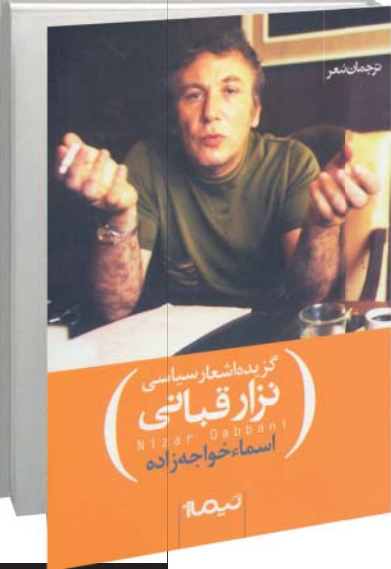
دیگر از نزار قبنانی شاعر

عاشقانه‌های بی‌روتی را به تماشا

نشست، اشعاری که در آنها

بی‌پرده خواننده با سرمای فریاد

روبه‌رو می‌شود.



## به مناسبت ولادت امام حسن عسکری (ع) مروری بر يك کتاب درباره ایشان داشته‌ایم

## حکایت کرامت

حل‌گره داستان داشته باشیم. چون انتهای داستان مشخص است دیگر نویسنده تکلیفی برای خود قائل نیست که کاملاً به مسائل داستانی پایبند باشد. او می‌خواهد کراماتی را بیان کند و خب آنجا که باید هنر به خرج دهد در چگونگی روایت است تا مخاطب با داستانی که از پایان‌ش آگاه است همراه شود. البته تمهید نویسنده در یکی دو داستان به بار نشسته و ما تقریباً با پایانی غافلگیرکننده همراه هستیم، اما در باقی داستان‌ها کاملاً در يك شیوه خطی داستان یا حکایت روایت می‌شود.

نکته مهم دیگری که باید ذکر کرد، حضور نویسنده با زبان طنز در داستان‌هاست. او سعی کرده خودش هم در متن داستان حضور داشته باشد و به مخاطب بگوید چه اتفاقی قرار است در داستان بیفتد و به جای شخصیت‌پردازی درباره افراد داستان توضیح می‌دهد که البته این تمهید هم به صورت محدود به بار نشسته و وقتی از حد می‌گذرد جایگاه خود را از دست می‌دهد. ضمن این‌که مخاطب در می‌ماند که این داستان‌گویی رئال است یا فانتزی و خب نویسنده هم مشخصاً در این میان پرابهام عمل کرده است. دیگر این‌که این حضور نویسنده باعث دوگانگی زبان داستان‌ها شده است. نویسنده با الفاظ عامیانه در داستان حضور دارد مثلاً یکجا می‌گوید «البته که دروغ می‌گویی، مثل چی هم دروغ می‌گویی، مثل آن حیوانی که حالا بگذریم» و خب از این مدل‌ها زیاد است و خب داستان نویسی سعی کرده لحن و زبان داستان‌ش را متناسب با فضای تاریخی بنویسد. اما بحث زبان در يك کار فاخر دینی بسیار مهم است، لذا زبان عامیانه به اثر لطمه می‌زند.

نکته مهم دیگر این است وقتی داستانی درباره امام حسن عسکری با آن شرایط خاص محصور بودن در پادگان نظامی نوشته می‌شود به نظر می‌رسد اندکی از فضای زندگی امام هم در داستان‌ها بیان شود انتظار داریم وضعیت اجتماعی امام در دوره خلافت عباسی را در کتاب مشاهده کنیم و شاید لازم بود نویسنده در این مورد تلاش بیشتری را صرف می‌کرد. در داستان‌های کتاب می‌بینیم که امام به راحتی با مردم مراوده دارد و بسیاری از مردم به ایشان مراجعه دارند اگر تاریخ می‌گوید امام در پادگان نظامی بوده باید در داستان اثری از فضای نظامی دیده شود که این اتفاق نمی‌افتد. ضمناً اثری از شرایط اجتماعی خلافت عباسی هم در کتاب مشاهده نمی‌کنیم برخلاف آثار نویسندگانی چون سعید تشکری که وقتی داستانی درباره مشهد می‌نویسد، کاملاً جغرافیا در اثر مشهود است. ذکر همه این مسائل البته نباید باعث شود نویسندگان از نوشتن درباره این موضوعات دست بکشند. نویسندگان نباید از آزمون و خطا بترسند. ما همچنان که به آثار فاخر تاریخی نیاز داریم، به داستان‌های عامه‌پسند مذهبی نیز احتیاج داریم و این فضا توسط ناشران نیز باید فراهم شود.

ادبیات دینی ایران در سال‌های اخیر رشد زیادی کرده و دلیل آن هم ورود طیفی از نویسندگانی است که علاوه بر انگیزه، سواد دینی هم دارند و می‌توانند آثاری در حوزه داستانی یا محوریت دین خلق کنند. از قضا طیف کتابخوانی که هم سال‌ها جای این مدل کتاب‌های را خالی می‌دیده از این کتاب‌ها استقبال کرده

است با این حال این حضور يك نقص هم دارد و آن هم رویکرد محدود نویسندگان به زندگی ائمه اطهار (ع) است. نویسندگان آثار داستانی دینی آثارشان را بیشتر درباره پیامبر اسلام، امام علی، حضرت زهرا، امام حسین و امام رضا (علیهم‌السلام) نوشته‌اند که البته یکی از دلایل این امر هم وجود منابع دینی و تاریخی بسیار درباره این ائمه است. حال به دلیل نبود منابع و شاید احساس نویسنده مبنی بر استقبال نکردن از کتابی درباره دیگر بزرگان، بسیاری از نویسندگان برای نگارش در حوزه تاریخ ائمه (ع) متحمل ریسک نمی‌شوند. در این شرایط کتابی درباره امام حسن عسکری (ع) نوشته است که با توجه به این‌که آثار درباره این امام بزرگوار در حوزه داستان و رمان به شمارش هم نمی‌آید؛ لذا نگارش و پرداختن به زندگی امام یازدهم شیعیان در قالب داستان اتفاق خوب و مهمی است.

«باد یمانی» طبق آنچه در پشت جلدش آمده قرار است روایتی باشد از کراماتی که به واسطه امام حسن عسکری (ع) انجام و با زبان داستان بیان شود و هشت داستان هم برای این موارد نوشته شده است. از همین جا مشخص است تکلیف نویسنده روشن است و قرار نیست فعلی دیگر از وی ببینیم. مخاطب هم از ابتدا می‌داند می‌خواهد داستان‌هایی از کرامات امام حسن عسکری (ع) بخواند؛ امامی که خیلی از او نمی‌داند، امامی که البته پدر منجی شیعیان است، امامی که سال‌ها در پادگان نظامی خلیفه عباسی در حصر بوده و البته در جوانی هم به شهادت رسیده است. از امام عسکری ما زیاد نمی‌دانیم. اخیراً که روز شهادت ایشان تعطیل شده مقدمه‌ای برای برپایی جشن آغاز امامت مهدی موعود (عج) است و حالا این داستان‌ها قرار است کراماتی از پدر امام زمان به ما نشان دهد. البته نویسنده در این مجموعه میان داستان به معنای مدرن آن و روایت حکایت در رفت و آمد. شیوه بیان نویسنده مانند حکایت است و در يك روایت خطی هم بیان می‌شود که البته در یکی دو داستان این مساله انجام نمی‌شود و ما شاهد يك داستان کوتاه هستیم (البته با اغماض) نکته دیگر این‌که به دلیل انتخاب روایت کرامات با شیوه حکایت دیگر دست نویسنده برای بیان خطی باز است و نیازی نیست به شیوه داستان کوتاه ما گره افکند و



مصطفی وثوق‌نکار

روزنامه‌نگار